



اساس سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.  
منصور حکمت

شماره ۲۳۸  
۲۵ آذر ۱۳۸۳  
۱۵ دسامبر ۲۰۰۴

# ایسکرا

www.wpiran.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

## با من به کریدورهای زندان بیایید

مصاحبه با امید در باره وضعیت زندان معتادین

”با من به کریدورهای زندان بیایید“ تیتر گزارشی بود که امید از زندان معتادین تهیه کرده بود. این گزارش در ایسکرای شماره ۲۳۶ چاپ شد. یکی از اعضای کمیته کردستان موفق شد که مصاحبه ای با امید در باره زندان معتادین انجام دهد که در این شماره ایسکرا بچاپ میرسد.

صفحه ۲

## اطلاعیه شماره ۲ کمپین نجات حاجیه از سنگسار

صفحه ۴

## اطلاعیه شماره ۳ کمپین نجات حاجیه از سنگسار

صفحه ۴

## از ۱۰ تا ۱۶ آذر حاشیه ای بر نوشته اخیر مظفر محمدی



سیاوش مدرسی

ایران و جهان بود و بهمین عنوان بر جای خواهد ماند. در مورد اهمیت و جایگاه این روز و نقش و تاثیر گذاری حزب کمونیست کارگری ایران از آغاز تشکیل تا امروز از یکطرف و از طرف دیگر نقش و جایگاه امروزی حزب کمونیست کارگری ایران میتوان و باید که جامعتر به بحث نشست بویژه در مورد نقش و جایگاه منصور حکمت در تغیر این شرایط و تبدیل کمونیسم از نیروی شکست خورده و به حاشیه رانده شده به جنبشی بالنده و توانمند و دخیل در سرنوشت جامعه، هرچند که خودش دیگر در میان ما نیست تا محصول سالها مبارزه اش را ببیند و بازم با توان و قدرت خارق العاده اش رهبری حزب و جامعه را تا انتها به پیش ببرد. اما این تنها ما کادرها،

صفحه ۳

دستاورد حزب کمونیست کارگری ایران ملامال از تحولات سریع و مبارزه ای حاد چه در داخل و چه در بیرون حزب بوده است، مبارزه ای بدون انقطاع و شبانه روزی علیه جمهوری اسلامی همراه با مبارزه حاد علیه تمام گرایشات راست، ناسیونالیست و ارتجاعی در سطح ایران و جهان. مبارزه ای که با روشنگری و گشایش افق ها و سیاستهای باز و روشن در مقابل فعالین کمونیسم کارگری مجموعه درهم فشرده ای هستند که جنبش اجتماعی چپ به رهبری حزب کمونیست کارگری ایران را تشکیل میدهد. در تمام این عرصه ها منصور حکمت تا لحظه ای که توانست تلاش کرد، رهبری کرد، افق های جدید باز کرد. او رهبر و نظریه پرداز و لکوموتیو پر توان کمونیسم کارگری در

روز ۱۰ آذر سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران است. کمونیسم کارگری امروز وزنه و واقعیتی غیر قابل کتمان در معادلات سیاسی جامعه ایران محسوب میشود، این را همه میدانند. از انسانهای دردمندی که در چنبره اسلام سیاسی گرفتار آمده اند و در جستجوی رهایی از فقر، بی حقوقی و کسب ابتدائی ترین مواهب اجتماعی و انسانی پرچم آزادی، برابری و انقلاب را در دست گرفته اند تا تکنوکراتها، گروهبانهای بازنشسته سلطنت طلب و دوخردادی های وامانده و فراندوم چی های مسخره! این حقیقتی غیر قابل کتمان است که وظایف و مسئولیتهای رهبری حزب را صد چندان میکند. تاریخ کوتاه اما پر از

## مصاحبه با امید در باره وضعیت زندان معتادین

سردبیر  
ایسکرا  
منصور فرزند

Tel: 0046 734 484 262  
E.mail:  
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر  
کمیته کردستان  
محمد آسنگران  
tel: 0049 1633458007  
E.mail:  
asangaran@aol.com

تلویزیون  
کانال جدید  
۸ تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:  
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال  
۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش  
سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت  
صدای کارگر، صدای انسانیت  
به همه طول موج  
رادیو را معرفی کنید

۴۱ متر برابر  
با ۷۴۹۰ کیلو هرتز

ایسکرا  
چهارشنبه ها منتشر  
میشود

**سؤال:** چطور شد که به فکر افتادید که وضعیت زندان معتادین را منعکس کنید؟

در مورد گزارش در رابطه با زندان باید بگویم وقتی بنا به شرایطی که پیش آمد و من از نزدیک توانستم زندان را ببینم و با زندانیان تماس داشته باشم حس کردم که این افراد بنا به دلیل دور بودن از جامعه و نیز عدم دسترسی افکار عمومی به آنها مورد ستم قرار میگیرند بخصوص معتادان که در اصل افراد بیمار هستند و باید تحت درمان باشند اما نگرش مسئولین زندان به آنها همانند افراد جانی میباشد جالب است که يك زندانی معتاد در اثر فشارهای روانی ناشی از عدم وجود مواد مخدر دست به خود کشی زده بود و پس از نجات توسط زندان به خاطر این کار تنبیه بدنی میشد. یا هزاران توهین دیگر. انقدر القا کرده بودند که خود زندانیها خود را افراد به درد نخور میدانستند و به خود لقب لجن داده بودند. حقیقتا گفته های من در رابطه با زندانیان معتاد تنها گوشه بسیار کوچکی از آن چه است که من با چشمان خود دیدم. زندانیان معتادی که بخاطر گرفتن يك قرص مسکن ساعتها جلوی درب بهداری زندان گریه میکردند دل هر ناظری را به درد میآورد ای کاش دوربینی بود تا همه آن تصاویر را که جز توحش به انسانیت نیست به نمایش میگذارم معتادین تزریقی به خاطر کمبود مواد در زندان حتی ادرار افرادی را که مواد مصرف کرده بودند به خود تزریق میکنند شاید مقداری آرام شوند

**سؤال:** یک آمار از معتادین و علل اصلی رویاوری به اعتیاد؟

آمار آن در ایران واقعا تکان

خصوصیات نظام سرمایه داری است به علاوه توحش سیستمهای مذهبی و اسلامی همه و همه عواملی هستند که روان انسانها را شکنجه میدهند مسلما باید از شر کلیه عوامل ضد بشری رها شد تا انسانها بتوانند بهتر و شادتر زندگی کنند. زندگی انقدر زیبا است که بدون مواد ارامبخش هم به آن ادامه داد. لازمه يك دنیای بدون مواد مخدر ایجاد بستری انسانی است که همه انسانها در آن مرفه و آزاد باشند

**سؤال:** وضعیت معتادین در جامعه فعلی و نگرش مردم به آنها؟

متأسفانه جمهوری اسلامی سعی دارد که نگرش سنتی یا بهتر است بگویم ضد انسانی را در باره معتادین در سطح جامعه گسترش و باز تولید نماید. سیستم همواره میخواهد این طور نشان دهد که معتادین انسانهای به درد نخور و اضافی هستند و برای سلامت جامعه لازم است که آنها از عموم دور باشند. متأسفانه این طرز تفکر تا حدی بسط داده شده است و وظیفه انسانهای آگاه و بخصوص فعالین چپ است که در برابر این حمله تبلیغاتی واکنش نشان داده و ماهیت مسئله و مسببین آنرا به مردم معرفی کنند و نگذارند که به قشر آسیب دیده معتادین توهین شود قشری که واقعا قربانیان روابط اجتماعی موجود هستند در مرکز باز پروری معتادین استان کردستان که در شهر کامیارن قرار دارد کلیه معتادین برای چندمین بار است که به زور برای ترك اعتیاد به آنجا آورده میشوند. اما چون اصلا نگرشی عملی در این ارتباط وجود ندارد و فقط بخاطر مسائل تبلیغی خودشان است تقریبا هیچ کسی تا حالا در این مراکز به اصطلاح باز پروری نتوانسته است که در مان پیدا کند. متأسفانه خانواده این معتادین در فقر و فشار زیادی به سر میبرند بسیاری از زنان معتادین

دهنده است حتی مواد مخدر به میان دختران کم سن و سال نفوذ کرده است. باور کنید در میان دانشجویان و قشر علمی جامعه هم رفته است دانشجویان زیادی را میشناسم که به طور مرتب مواد مخدر مصرف میکنند دخترانی که برای به دست آوردن مواد مخدر تن فروشی میکنند امروزه کم نیستند. به نظر کارشناسان مسائل اجتماعی مسئله اعتیاد در جامعه تابعی از بهداشت روان آن جامعه است. یکی از روانکاوان اجتماعی میگفت مثلا جامعه ای که مسائل جنسی در آن حل نشده باشد بستر مناسبتری برای افزایش اعتیاد دارد. حال جامعه ایران را که به انسانهای درون آن به توان بینهایت توهین میشود در نظر بگیرید. جایی که زمانی يك جوان را بخاطر داشتن عکس يك زن به اصطلاح بی حجاب که عامل آن هم ناشی از فضای بسته مذهبی بود بازداشت کرده و شکنجه میکردند چگونه انسانهای درون آن به مواد آرام بخش روی نیاورند. به راستی جمهوری اسلامی و فضای ضد انسانی که این سیستم ایجاد کرده عامل اصلی افزایش اعتیاد در سطح جامعه است

**سؤال:** چه اقداماتی باید صورت بگیرد که جلوی اعتیاد را گرفت؟

همانطور که گفتم روی آوری انسانها به مواد مخدر در جامعه زمانی رخ میدهد که از لحاظ روانی در تنگنا باشند به عبارت دیگر بهداشت روان آن جامعه دارای مشکل باشد. فشارهای روانی که بر افراد جامعه وارد میشود کاملا قابل بررسی و شناسایی است فقر - بیکاری - اختلاف طبقاتی - محروم بودن از بسیاری از دستاوردهای بشری و هزاران عامل دیگر که از

متأسفانه از راه تن فروشی امراض معاش میکنند حتی بسیاری از آنها به زور برای تهیه مواد مخدر همسرانشان تن به این کار میدهند. روزی در بهزیستی بودم که دختری که اه یکی از شهرستانهای تابعه بود به آنجا مراجعه کرده و اظهار میداشت که به زور پدرش که معتاد است و ادار به تن فروشی میشود معتادین به اینده هیچ امیدی نداشته و منتظر ان هستند که چه روزی میمیرند. انچنان به آنها القا شده که خودشان را در اصل انسانهای بیبوهه و به درد نخور میدانند بی اطلاع از اینکه اینان بیمارانی بیش نیستند که نیاز به درمان و کمک دارند. یکی از پزشکان شهر سنج در اماری که گرفته بود میگفت حدود 90 درصد معتادین تزریقی سنج به بیماری هپاتیت مبتلا هستند بدون اینکه از جانب مراکز بهداشتی به آنها کمترین توجهی شود

**سؤال:** اگر جامعه را به دست شما بدهند و بگویند مسئولیت با شماست چگونه عمل میکنید؟

اگر جامعه در دست ما فعالین چپ بود فوراً عامل تمام بد بختی انسانها که همان نظام بردگی مزدی است را ملغی میکردیم در این رابطه سخنان منصور حکمت در ارتباط با اعتیاد بسیار بسیار علمی و انسانی است. شناخت مسئله اعتیاد عوامل به وجود آمدن و استمرار آن و نگرش انسانی به معتادین از جنبه های بارز این سخنان است که هر فرد آزادی خواهی را به شنیدن این سخنان توصیه میکنم. خوشبختانه ح ک برنامه روشن و عملی در این ارتباط دارد که از نقاط قوت این حزب میلشد مسلما تنها با سر کار آمدن چنین جریانی است که مسئله اعتیاد به صورت انسانی و علمی حل میشود

با تشکر از شما

ادامه

## از ۱۰ تا ۱۶ آذر

فعالین و هواداران حزب کمونیست کارگری ایران نیستیم که در این روز با نگاهی به گذشته وظایف و تکالیف حرکت سیاسیمان در امروز و آینده را بررسی میکنیم. ظاهراً این موضوع مورد علاقه جریان راست منشعب از حزب هم هست، تاکنون مظفر محمدی و رحمان حسین زاده در این زمینه قلم فرسایی کرده اند تا بخيال خودشان چند سنگریزه دیگر به طرف حزب کمونیست کارگری ایران پرتاب کرده باشند و رنگ و لعابی به "مبارزات" پراز "تعجیلشان!" بزنند و در بازار آشفته سیاست هویتی برای خودشان دست و پا کنند. نوشته رحمان حسین زاده هنوز کامل نیست اما مظفر محمدی لب مطالبش را بیان کرده است، بگذارید نگاهی به نوشته ایشان داشته باشیم.

مظفر محمدی به تبع همکارانش در حزب جدیدشان تلاش میکند ابتدا به ساکن يك پیشینه ویژه برای متعلقین به طیف منشعبین راست و همینطور از ما فعالین کمونیسم کارگری بسازد.

این برای ما سنتی آشنا است، پوسیده است، نخ نما است، کهنه است و آن را خوب میشناسیم. عبدالله مهتدی در ۱۴ سال پیش درست از همین شیوه استفاده میکرد، از نظر مهتدی در آن زمان و مظفر محمدی امروز، اختلاف ما اختلاف "مبارزین عملی!"، "رهبران!" و "آدمهای واقع بین" است با روشنفکرانی که: "در اطاق نشیمن با تبلیغ و ترویج در انتظار شیرین" مردم/انقلاب

میکند نشسته اند. (نقل قول از آقای مظفر محمدی)

انگار اختلاف ما بر سر پاسیفیست ها و عملگراها بوده است. در آن سالها همین اتهام از طرف عبدالله مهتدی به ما و از جمله همین حضرات پرتاب میشد.

اما تاریخ سازی و پیشینه سازی در این سطح محدود نمی ماند. طی این مدت کوتاه ما یکباره متوجه شدیم که در تمام سالهای فعالیت حزب، کورش مدرسی در کنار منصور حکمت مشغول معماری حزب و سیاست های آن بوده و الباقی در "حیات خلوت" مشغول خروپوف و چرت زدن! از این بدتر ما خواب زدگان بوسيله یکی از هواداران آقای رحمان حسین زاده چرتمان پاره میشود و از "حیات خلوت" به وسط معرکه می پریم و متوجه میشویم که رحمان حسین زاده هم مخفیانه عضو کانون کمونیسم کارگری بوده است، اما حالا چرا همان زمان اعلام نشد باز هم ما "حیات خلوت" نشینهای روشنفکر بی خبریم. تاسف آور این است که خود همین حضرات خوب میدانند که چقدر منصور حکمت از این ادعا ها منزجر بود و جواب "با سابقه ترهایی" مثل ایرج آذرین ها و رضا مقدم ها را وقتی با همین ادعا ها به میدان آمدند! چه داد؟

اما این نوع پرونده سازی ها قرار است يك ادعای دیگر را هم به کرسی بنشانند، از قرار در دوران حیات منصور حکمت دو گرایش در حزب موجود بوده، یکی کمونیسم کارگری - که با توجه به سوابقی که قبلاً اینها برای خودشان ساخته اند- خودشان هستند و يك گرایش دیگر چپ فرقه ای - که ما باشیم- در جدال بوده اند! اما

سابقه این جدل در کجا است؟ بر مبنای کدام سند؟ در کدام جلسه؟ اینکه منصور حکمت چه ارزیابی از رهبری حزب در زمان حیاتش را داشت در پلنوم ۱۴ حزب اعلام کرد. هیچ کس حتی خود حکمت هم چنین ادعایی نداشت و هرگز شما و طیفی را که امروز به آن تعلق دارید را کمونیسم کارگری اعلام نکرد، ادعایتان پوچ است، خیلی راحت دروغ می گوئید، چون به آن احتیاج دارید، نیازمند آن هستید! خودتان را بخواب زده اید و دیگران را خواب زده میپندارید!

آقای مظفر محمدی استدلالهای شما برای ما آشنا است. سالها است که با اتهام روشنفکر بودن و "انقلاب! انقلاب کردن!" زیر تهاجم راست جامعه هستیم، از عبدالله مهتدی گرفته تا طیف "چپ" درمانده، از حامیان دو خرداد گرفته تا همین امروز مدافعین رفراوندوم، علیه ما روزمره این اتهامات را ردیف میکنند. شما و همفکرانتان کاشف این "انحرافات" نیستید، کاشف این نوع "انحرافات" راست جامعه است و علیه کمونیسم همیشه از آن استفاده کرده است. شما فقط مصرف کننده درجه چندم انبار مهمات تبلیغاتی آنها هستید، همین و بس.

حقیقتاً مضحکه و کمدی تکرار تاریخ چقدر مسخره و در عین حال چقدر چندش آور است!

آقای مظفر محمدی بگذارید تمام سوابق و افتخارات را از مارکس گرفته تا منصور حکمت، از کمون پاریس گرفته تا سن پترزبورگ و برلن و فعالیت شبانه روزی تمام اعضا و فعالین و

کادراهی حزب کمونیست کارگری ایران را فحله ای بشما و همفکرانتان واگذار کنم. من بعنوان يك آدم بدون سابقه که همین دیروز با سیاست آشنا شده با شما مخالفم. ما با نظرات شما در درون حزب مبارزه کردیم و از این مبارزه مثل همیشه شفافتر و شادابتر خارج شدیم. درست شبیه زمانی که به نقد پوپولیسم نشستیم، درست زمانی که تنها با قلمهایمان از حزب کمونیست ایران جدا شدیم و درست مثل زمانی که مستعفیون دو خردادی را فراری دادیم و درست شبیه امروز که عرصه را بر راست روگردان از انقلاب تنگ کردیم.

اما شما و همفکرانتان احساس ضعف و نا توانی میکنید! چرا؟ مبارزه علیه يك جریان راست که باید قاعدتاً شفافترتان کرده باشد. این همه افسردگی و لعنت فرستادن به ما چه دردی از میلیونها دردتان را دوا میکند؟

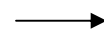
اما منصفانه شما اشاره ای بسیار کوتاه به اختلافات واقعی ما در حزب پیش از انشعابتان دارید، اختلاف حقیقی و سیاسی که باعث شد شما عرصه را بر جا انداختن نظراتتان در حزب تنگ ببینید و از حزب انشعاب کنید. میفرمائید

"یکی از همین سالهای ۴ سال پیش بود که منصور حکمت آن را سال حزب کمونیست کارگری نامید و اکنون ۲ سال پس از مرگ این انسان بزرگ ما کمونیستهای کارگری نمی توانیم سرمان را بالا بگیریم و مانند او بگوییم که امسال سال کمونیسم کارگری است. چون نیست. بر عکس سال عروج راست شد

سال عروج ناسیونالیسم ایرانی، در شمایل فاشیستی ترین جریان و شخصیتهايش، سال عروج فدرالیسم، این جریان فکری و سیاسی ضد انسانی و سناریویی برای سیاه کردن جامعه و تقسیم به قومها و ملیتها و زبان و مذاهب و مرزهای کاذب و یوگوسلاویزه کردن ایران" - تاکید از من است-

اما چرا امروز سرتان را بلند نگاه نمی دارید؟ چرا امسال سال عروج راست است سال سناریو سیاه و یوگوسلاویزه شدن جامعه ایران است؟ آیا این گناه ما است؟ ما باعث شدیم که این اتفاق در جامعه بیفتد؟ چون مرتب انقلاب انقلاب میکنیم؟ شما در ادامه همین نوشته تان حزب کمونیست کارگری ایران را مسئول ایجاد این وضعیت اعلام میکنید، اما چرا؟ آخر کدام عقل سلیم غیر هیستریکی این یاوه را باور میکند؟

راستی فراموش کرده اید که مدتها پیش از انشعاب، درست بعد از درگذشت منصور حکمت کورش مدرسی با همین ارزیابی، تزهایی در حزب را مطرح کرد؟ فراموش کرده اید که بسیاری از موافقین امروز این تحلیل علیه نظرات او نوشتید و مخالفت کردید؟ فراموش کرده اید که کورش مدرسی با این تحلیل از اوضاع به تاز شرکت در مجلس موسسان همین بازیگران سناریوی سیاه رسید؟ فراموش کرده اید که ما اعلام کردیم که شما انقلاب در ایران را زیر میز قایم کرده اید و با فکل کراوات راست جامعه به حامیان تحول انقلابی و ریشه ای در جامعه تعرض میکنید؟ شما با تحلیل سیاسی کورش مدرسی به



توافق نظر رسیده اید و کودکانه است اگر تصور شود با استنتاجات عملی از این تحلیل توافق نداشته باشید. حقیقت این است که شما اوضاع سیاسی ایران را سیاه ارزیابی میکنید و بنابراین منطقاً هم سیاستها و تاکتیکهایی منطبق با این تحلیل را در دستور کارتان قرار میدهید. چرا از کورش مدرسی

لیدرتان نمی آموزید که سیاستهایتان را در شرایط سیاهی که ترسیم کرده اید شفاف و روشن بیان کنید؟ چرا جنگ سابقه بافی دروغین و مدال دادن به خود را انتخاب کرده اید؟ چرا هنوز هم رسماً جسارت طرح نظرتان در این شرایط را ندارید. این موضوع، همان موضوعی است که علیرغم جنجال سوابق دروغین و پرونده سازی های کودکانه،

موضوع اصلی جدال سیاسی ما بوده و هست. خیر آقای محمدی، دستکم رویداد ۱۶ آذر امسال را بررسی کنید. چپ جامعه، کمونیسم در جامعه دارد میدان دار اصلی مبارزه میشود. این رویداد متاسفانه در زمان حیات منصور حکمت و در زمانی که گفت: "امسال سال کمونیسم کارگری است" اتفاق نیفتاد. او در آن زمان علائم

بسیار خفیف تری از این واقعیت اجتماعی را مشاهده کرده بود. در خاتمه ما بشما و دوستانتان قول خواهیم داد که امسال سال کمونیسم در ایران خواهد بود. بشما قول خواهیم داد که اجازه نخواهیم داد ایران یوگسلاوی شود و بشما تضمین خواهیم داد که تنها راه

پیشگیری از متلاشی شدن جامعه، انقلاب است. در سیاستهایتان باز اندیشی کنید، چشم در چشم حقیقت بدوزید. حقیقتی که در ۱۶ آذر امسال تنها گوشه ای از آن را مشاهده کردید. هنوز دیر نیست!

۱۵ دسامبر ۲۰۰۴

## اطلاعیه شماره ۲ کمپین نجات حاجیه از سنگسار

استقبال وسیع از اعلام کمپین اضطراری نجات حاجیه اسماعیل وند یک روز پس از اعلام کمپین جهانی نجات حاجیه، خبر این حکم وحشیانه در بسیاری از سایتها و نشریات و مطبوعات منعکس شد و برای هزاران آدرس اینترنتی ارسال گردید. نامه های اعتراضی به این عمل وحشیانه و حمایت از کمپین برای نجات حاجیه از

سنگسار بطرف ما سرازیر شده است و امضای طومار اعتراض به این حکم وحشیانه با استقبال مواجه شده است. به این کمپین اما باید گسترش خیلی بیشتری داد تا حاجیه از یک عمل وحشی قرون وسطایی نجات پیدا کند. روز دوشنبه مینا احدی هماهنگ کننده کمپین با تلویزیون کانال جدید و رادیو صدای ایران در امریکا

مصاحبه هایی انجام داد و تعدادی تلفن از ایران و کشورهای دیگر داشت که با این کمپین ابراز همبستگی کردند. یکبار دیگر از همه مردم آزادیخواه و مخالف قوانین وحشی و بربریت اسلامی در ایران و در کشورهای اروپایی و کانادا و امریکا، از همه سازمانهای مدافع حقوق انسانی و از رسانه های فارسی زبان دعوت میکنیم کمک کنند حاجیه را از این حکم قرون وسطایی نجات دهیم. تنها راه

نجات حاجیه، دامن زدن به کمپین بین المللی وسیع و همه گیر برای عقب راندن حکومت اسلامی ایران است. تجربه ثابت کرده است، اگر ما متحدانه عمل کنیم، اگر وسیعاً به این احکام وحشیانه اعتراض کنیم، جمهوری اسلامی ایران عقب می نشیند. جلو سنگسار حاجیه را باید بگیریم. جمهوری اسلامی را باید شکست دهیم و به دنیا بگوئیم جمهوری اسلامی دیگر جرات نمیکند کسی را سنگسار کند. این حکومت ها

را فقط با زور اعتراض متحد و گسترده میتوان افسار زد. کمک کنید، با تمام قوا کمک کنید، دوست و همسایه و همکاران را خبر کنید تا به این کمپین پیوندند.

مینا احدی هماهنگ کننده

کمپین نجات حاجیه

۱۴ دسامبر ۲۰۰۴

تلفن تماس: ۶۹۲ ۴۱۳

۰۰۴۹-۱۷۷۵

ایمیل: minaahadi@aol.com

## اطلاعیه شماره ۳ کمپین نجات حاجیه از سنگسار

ظرف یک روز گذشته ۷۷۰ نفر طومار اعتراضی را امضا کردند استقبال از کمپین نجات جان حاجیه اسماعیل وند، بسیار زیاد بود. در عرض بیست و چهار ساعت گذشته، ۶۷۶ نفر از طریق مراجعه به سایت، نامه اعتراضی به حکم سنگسار حاجیه را امضا کردند. همچنین با ارسال پیامهای متعدد از ایران و کشورهای دیگر به مینا احدی از این

کمپین حمایت شده است. علاوه بر امضای طومار حدود ۱۰۰ مورد از طریق تلفن و یا ایمیل حمایت خود را از این کمپین اعلام کرده اند. در مجموع بیش از ۷۷۰ نفر از دیروز تا به امروز طومار را امضا کرده اند. ما از همه نهادها و مردم مترقی میخواهیم که به هر طریق ممکن به این حکم وحشیانه اعتراض کرده و کمک کنند تا حاجیه را از سنگسار نجات دهیم.

همچنین تا کنون چندین نامه شدید اللحن اعتراضی به خاتمی ارسال شده که رونوشت آن برای مینا احدی ارسال شده است. از جمله تا کنون چندین نماینده پارلمان اروپا به خاتمی نامه اعتراضی ارسال کرده و یک نسخه از آنرا برای ما ارسال کرده اند. در یک نامه به اتحادیه اروپا و نمایندگان پارلمان اروپا در مورد ضرورت اعتراض به جمهوری اسلامی ایران آمده است: به رئیس پارلمان اروپا و اعضای پارلمان همانطور که در سخنرانی روز دوشنبه نیز گفتم، یک زن در

ایران به سنگسار محکوم شده است. در ادامه این نامه من، متن نامه سرگشاده مینا احدی است، که سرسختانه برای نجات جان حاجیه اسماعیل وند که محکوم به سنگسار شده است، فعالیت میکنند. من قویا از شما میخواهم که عکس العمل نشان دهید. نباید نظاره گر خاموش این بود که دولت ایران زنان را سنگسار کند. اگر شما اعضای پارلمان از فعالیتهای مینا احدی حمایت کنید، ممنون میشوم. با احترام: الکساندر آلوارو هم حاجیه را باید نجات دهیم و هم جمهوری اسلامی را

افسار بزنیم. نباید بگذاریم حکومت اسلامی قادر شود دوباره بساط سنگسار راه بیندازد. بشریت باید در مقابل این عمل وحشیانه جنایتکاران حاکم بر ایران قد علم کند و یک انسان بیگناه را که جرمش فقط انتخاب است از سنگسار نجات دهد.

کمپین نجات حاجیه

۱۴ دسامبر ۲۰۰۴

تلفن تماس: ۰۰۴۹۱۷۷۵۶۹۲۴۱۳

ایمیل: minaahadi@aol.com

مینا احدی هماهنگ کننده

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مرگ بر جمهوری اسلامی!